طلا به خریدار جدید واگذار می‌شود، وجه آن دریافت می‌شود و همان مبلغ با فروشنده تسویه می‌شود. درواقع این مدل کاری باعث می‌شود گردش نقدینگی و تسویه‌حساب‌ها در شرایط معمولی، به‌سرعت و بدون نیاز به منابع اضافه انجام گیرد.

برای مثال، در پلتفرم میلی در شرایط عادی، تسویه‌های ریالی معمولاً ظرف ۱۲ ساعت انجام می‌شود و اگر کاربر درخواست تحویل طلای فیزیکی داشته‌باشد، حداکثر ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت این طلا آماده تحویل خواهد بود. چنین زمان‌بندی سریعی، یکی از اصلی‌ترین نقاط قوت پلتفرم‌هایی است که به شفافیت، سرعت ونقدشوندگی بالا متعهدند و همین ویژگی است که اعتماد کاربران خُرد را جلب می‌کند اما در شرایط فعلی که درگاه‌های پرداخت با دستور مستقیم بانک مرکزی مسدود شده‌اند، چرخه طبیعی جریان نقدینگی پلتفرم‌ها دچار اختلال جدی شده است. در چنین وضعیتی، نه امکان واریز وجه به‌صورت لحظه‌ای وجود دارد، نه می‌توان همان تهاتر ساده‌ی میان خریداران و فروشندگان را در لحظه انجام داد. درنتیجه طبیعی است که زمان‌بندی تسویه‌ها هم تحت‌تاثیر این اختلال تغییر کند و فرآیندها با کندی مواجه شوند.

بااین‌حال، میلی برای پایبندی به تعهداتش نسبت به میلیون‌ها کاربر خود، سناریوی جایگزین اما پرهزینه‌ای را پیاده کرده که آن هم عبارت است از؛ برداشت از ذخایر طلا برای تأمین نقدینگی و تسویه به‌موقع حساب کاربران. به این ترتیب که ابتدا بخشی از طلای فیزیکی را از خزانه بانک کارگشایی خارج می‌کند، سپس این طلا در بازار به فروش می‌رسد، درآمد حاصل از فروش به ریال تبدیل می‌شود و پس از انجام مراحل نظارت و تأیید توسط نهادهای ذی‌ربط، مبلغ نهایی به حساب کاربران واریز می‌شود.

چنین فرآیندی در مقایسه با روال عادی، بیشتر زمان می‌برد و از نظر مالی نیز پرهزینه‌تر است، اما مدیران میلی می‌گویند، اعتماد کاربران به توان این پلتفرم برای نقدشوندگی سریع، حیاتی‌ترین سرمایه آنهاست و به هر طریقی سعی می‌کنند به تعهدات‌شان پایبند بمانند. همین نگاه باعث شده مدیران میلی حتی سقف بسته‌های طلای قابل فروش را هم متناسب با شرایط جدید اصلاح کنند؛ به‌طوری که حداقل مبلغ هر بسته طلای قابل فروش از ۵۰۰ هزار تومان به دو میلیون تومان افزایش یافته تا امکان تأمین سریع‌تر منابع نقدی فراهم شود. از سوی دیگر، باتوجه به اینکه حدود ۹۰ درصد کاربران میلی سرمایه‌گذاران خردی هستند که تنها در حد یک گرم طلا سرمایه‌گذاری کرده‌اند، این تغییرات کمک کرده تا آنها بدون دغدغه‌ی طولانی‌شدن فرآیند، نهایتاً ظرف سه‌روز کاری بتوانند اصل سرمایه خود را از این پلتفرم برداشت کنند.

آینده پشت درهای بسته نوشته نمی‌شود

گرچه میلی و پلتفرم‌های مشابه در این بحران نشان داده‌اند که با همه محدودیت‌ها، تلاش می‌کنند از ابزارها و راهکارهای خلاقانه برای حفظ دسترسی کاربران به سرمایه‌هایشان استفاده کنند، این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که ادامه‌دار بودن این شرایط، به‌تدریج پایه‌های اعتماد عمومی را که مهم‌ترین سرمایه این اکوسیستم است، سست می‌کند. واقعیت این است که میلیون‌ها نفر از سرمایه‌گذاران خُرد، در قالب پلتفرم‌هایی مثل میلی، دارایی‌هایشان را با هدف اطمینان از امنیت سرمایه و نقدشوندگی سریع، نزد این کسب‌وکارها سپرده‌اند. این اعتماد، به‌سادگی و با یک وعده یا بخشنامه کوتاه‌مدت به‌وجود نیامده بلکه نتیجه ماه‌ها و سال‌ها عملکرد شفاف، پاسخگویی مستمر و رعایت الزامات قانونی بوده است. حالا اما همان کاربر، وقتی می‌بیند درگاه‌های پرداخت بدون هشدار و بدون توضیح کافی، ناگهان قطع می‌شوند و حتی امکان برداشت سرمایه یا انجام معامله جدید را از دست می‌دهد، طبیعتاً دچار اضطراب و بی‌اعتمادی خواهد شد. ادامه‌دار بودن بلاتکلیفی پلتفرم‌های خریدوفروش طلای آب‌شده و بسته‌ماندن درگاه‌های پرداخت، پیامدهایی به‌مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر از مختل‌شدن جریان کاری یک کسب‌وکار یا متوقف‌شدن معاملات روزمره دارد. وقتی کاربران با سردرگمی ناشی از فقدان اطلاع‌رسانی و عدم‌شفافیت در تصمیمات مواجه می‌شوند، بی‌اعتمادی تنها به یک پلتفرم محدود نمی‌ماند؛ بلکه اعتبار کل فضای سرمایه‌گذاری آنلاین و حتی نهادهای قانون‌گذار و ناظر، به‌ویژه آینده اقتصاد دیجیتال ایران را زیر سوال می‌برد. در کشور ما بخشی از امیدواری‌ها به رشد، توسعه و ارزش‌افزایی برای آینده‌ای بهتر، به رونق کسب‌وکارهای نوآور دیجیتال گره خورده است؛ کسب‌وکارهایی که نه‌تنها با جذب سرمایه‌های خرد و کلان، جریان نقدینگی سالمی در بازار ایجاد می‌کنند، بلکه با تکیه بر شفافیت و اعتماد عمومی، میلیون‌ها کاربر را وارد زیست‌بوم اقتصاد مدرن کشور می‌کنند. بااین‌حال تجربه اخیر پلتفرم‌های آنلاین طلانشان داد که تصمیمات ناگهانی و غیرکارشناسی، مانند مسدودسازی درگاه‌های پرداخت بدون اطلاع‌رسانی شفاف و بدون چشم‌انداز روشن، دقیقاً همان عاملی است که می‌تواند این چرخه امیدبخش را متوقف کند. ادامه چنین رویکردی نه‌تنها باعث فرار سرمایه و بی‌اعتمادی عمومی می‌شود، بلکه زیرساخت اعتماد به کسب‌وکارهای دیجیتال و فرآیند سرمایه‌گذاری خُرد را که ستون اقتصاد دیجیتال ایران است، تضعیف می‌کند. به‌عبارتی، اگر قرار باشد هر بحران سیاسی یا نظامی یا تصمیمات پشت درهای بسته، ناگهان بستر فعالیت این پلتفرم‌ها را مختل کند، رشد اکوسیستم استارتاپی، فناوری‌های مالی و حتی بانکداری نوین، همیشه در خطر خواهد بود؛ خطری که هزینه واقعی آن را نهایتاً خود مردم و اقتصاد کشور می‌پردازند. باید بپذیریم که اقتصاد دیجیتال و سرمایه‌گذاری‌های خُرد بر بستر آنلاین، بیش از هر چیز بر ستون اعتماد عمومی استوار است؛ ستونی که یک‌شبه فرو نمی‌ریزد اما در اثر تکرار تصمیمات غیرکارشناسی و شفاف‌نبودن سیاست‌ها، ترک برمی‌دارد و ترمیم‌اش هزینه و زمان زیادی می‌طلبد.

۱۵/۵
میلیون نفر
تعداد کاربران پلتفرم‌های آنلاین طلا (کل کشور)

۳۲
کیلوگرم
میزان طلای تحویلی به کاربران
(۲۳ خرداد تا ۱۲ تیر)

۱۵
تعداد شعبه‌ها و نمایندگی‌های فعال میلی
(۲۳ خرداد تا ۱۲ تیر)

۱۹
هزار تماس
پاسخ‌دهی به تماس‌های تلفنی کاربران
(۲۳ خرداد تا ۱۲ تیر)

۱۵۹
هزار
مکالمه آنلاین با کاربران
(۲۳ خرداد تا ۱۲ تیر)

۳۷
هزار
مکالمه مستقیم با کاربران
(۲۳ خرداد تا ۱۲ تیر)

٪۸۷
رضایتمندی کاربران از پشتیبانی

پلتفرم‌های آنلاین

پایان چتر مصونیت

با تغییر پارادایم تنظیم‌گری فضای دیجیتال کفه قدرت دولت‌ها از پلتفرم‌ها سنگین‌تر شده است

مسعود شاه‌حسینی
گزارشگر هم‌میهن

شرکت‌های فناوری وارد دورانی تازه از حیات خود شده‌اند. دیگر فقط نوآوری، رشد شگفت‌آور و سلطه بی‌چون‌وچرای‌شان بر جهان دیجیتال و زندگی کاربران نیست، حالا هر گوشه دنیا ردپای دولت‌هایی را می‌بینیم که عزم‌شان را جزم کرده‌اند تا لگام غول‌های فناوری را در مشت خود بگیرند. جلسه‌های استماع کنگره آمریکا شلوغ‌اند، پارلمان‌های کشورهای اروپایی پُرکارند، دادگاه‌ها هم یک بخش ثابت را به رسیدگی به دعاوی حقوقی مرتبط با شرکت‌های فناوری اختصاص داده‌اند و در پوشش حمایت از حریم خصوصی و رقابت سالم، موجی از رسیدگی‌های حقوقی، جریمه‌ها و مقررات سختگیرانه به‌راه افتاده است. کشورها با ملاحظات و بهانه‌های سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی‌شان در فکر طراحی چارچوبی بومی برای فعالیت پلتفرم‌ها هستند و این وسط، شرکت‌های فناور هم هرازگاهی پایشان به راهروهای دادگاه‌ها باز می‌شود.

از بحران امنیت به کنترل فناوری

در انتهای این جدال‌ها، دیوان عالی فدرال برزیل پلتفرم‌های فناوری مانند گوگل، متا، ایکس و تیک‌تاک را مسئول محتوای کاربران‌شان دانسته است. براساس این رأی، پلتفرم‌ها موظف‌اند محتواهای نفرت‌پراکن، خشونت‌آمیز، پورنوگرافی، تروریسم، تهمت، افترا و اطلاعات نادرست را حتی بدون دستور قضایی و تنها با دریافت اخطاریه رسمی حذف کنند و اگر چنین نشود، جریمه می‌شوند و تحت پیگردهای قانونی قرار می‌گیرند.

این حکم ما را به دورانی می‌برد که باید تغییر پارادایم تنظیم‌گری دیجیتال بدانیم. عصری که چشم‌انداز حقوقی و اقتصادی غول‌های فناوری را نه‌فقط در برزیل، بلکه در سطح جهان با پرسش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده می‌کند.

تا پیش از این، ماده ۱۹ چارچوب مدنی اینترنت برزیل که در سال ۲۰۱۴ مصوب شده بود، پلتفرم‌ها فقط تنها در صورت وجود حکم قضایی برای حذف محتوا مسئول بودند، اما حالا این چتر مصونیت برداشته شده و مسئولیت مستقیم آنچه کاربران می‌نویسند، می‌گویند و می‌سازند، بر دوش خودشان افتاده است. رأی دیوان عالی برزیل بی‌دلیل و یک‌باره نبوده، بلکه مستند به دو پرونده‌ای است که در آن‌ها شرکت‌های فناوری در برابر محتواهای مجرمانه به بی‌عملی متهم شده بودند. یکی مربوط به شکایت نماینده مجلس این کشور علیه ویدئوهای یوتیوب است که او را هدف افترا قرار می‌دادند و دیگری درخواست معلمی است که نتوانست صفحه توهین‌آمیز «اورکات» (وابسته به گوگل) را حذف کند. این حکم جدید، گرایش و تمایل آشکار برزیل به الگوبرداری از الگوی کشورهای اروپایی محسوب می‌شود و همین هم واکنش‌های گسترده‌ای را در جهان فناوری برانگیخته است. به‌ویژه اینکه منتقدان می‌گویند، این رأی دیوان ارتباطی با نگرانی‌های عمومی پس از حوادث موسوم به «شورش هشتم ژانویه ۲۰۲۳» ندارد. در آن ماجرا که یکی از مهم‌ترین و پرسروصداترین رویدادهای سیاسی برزیل در سال‌های اخیر است و شباهت‌هایی هم به حمله هواداران ترامپ به کنگره آمریکا در ژانویه ۲۰۲۱ دارد، هزاران نفر از حامیان ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور راست‌گرای سابق برزیل، در اعتراض به نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری با شکستن موانع امنیتی وارد کاخ ریاست‌جمهوری، دیوان عالی فدرال و کنگره ملی شدند و این ساختمان‌ها را اشغال کردند. آن‌ها بولسونارو را رئیس‌جمهور واقعی و پیروزی لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور چپ‌گرا را نتیجه تقلب در انتخابات می‌دانستند. این رویداد جز اینکه شوکی بزرگ به جامعه بود، پرسش‌هایی هم درباره نقش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال در تحریک به ارتکاب به اعمال مجرمانه و حمله مطرح کرد. پس از این حادثه، دیوان عالی برزیل تحقیقات گسترده‌ای درباره این موضوع آغاز کرد که یکی از احکام آن، همین رأی مسئولیت قانونی پلتفرم‌هاست.

پیشگیری غیرضروری یا سرکوب منتقدان

از وجهی دیگر، چنین حکمی شاهدی دیگر است بر این ادعا که اینترنت، فضایی بدون مرز نیست. دولت‌ها در سال‌های اخیر مجدانه و به‌طور فزاینده‌ای در پی اعمال حاکمیت ملی‌شان بر فضای دیجیتال هستند. حکم دیوان عالی برزیل، تنها یکی از نمونه‌های فراوان است. سال گذشته در ژاپن، مجلس این کشور قانونی گذاشت که پلتفرم‌ها را ملزم می‌کند تا رویه‌های شفافی برای حذف محتوای توهین‌آمیز آنلاین ایجاد کنند و به شکایات مرتبط با افترا پاسخ دهند. یا اینکه در آلمان چندسال پیش قانون «اجرای شبکه» (NetzDG) برای مبارزه با گفتار نفرت‌پراکن آنلاین، وضع شد. گرچه در کشورهای دیگر نیز طی سال‌های اخیر ازاین‌دست قوانین تصویب شده و دولت‌ها ضوابط و دستورالعمل‌های زیادی در این زمینه تدوین کرده‌اند، به‌گمان بسیاری همگی الگوی اتحادیه اروپا را در پیش گرفته‌اند.

اتحادیه اروپا از سال گذشته با هدف مقابله با سلطه بی‌حدومرز شرکت‌های فناوری و ایجاد محیطی عادلانه و امن در فضای دیجیتال، «قانون خدمات دیجیتال» (DSA) را اجرایی کرده است. براساس بندهای DSA، پلتفرم‌ها ملزم‌اند محتوای غیرقانونی را حذف و نظام‌نامه‌هایی شفاف برای مدیریت شکایات تدوین کنند. بااین‌حال منتقدان می‌گویند، این قانون بیش از اندازه سختگیرانه است و چون کشورها با انگیزه‌های گوناگون نیم‌نگاهی به آن دارند، به‌نوعی سانسور و پیشگیری غیرضروری می‌انجامد که خود زنگ خطری برای کاهش تنوع و آزادی‌بیان در فضای آنلاین است. به‌ویژه اینکه بسیاری از دولت‌ها در مواقع بحرانی و خطر، از سیستم «اطلاع و حذف»، برای خاموش‌کردن صداهای مخالف استفاده می‌کنند.

گوگل و متا که مخاطبان بالقوه این‌دست قوانین هستند، از آثار احتمالی قاعده‌گذاری‌های دیجیتال محلی بر آزادی‌بیان ابزار گرانی کرده‌اند و گفته‌اند، ممکن است اقتصاد دیجیتال و کسب‌وکارهای کوچک در خطر قرار بگیرد. آنها می‌گویند، مجبورند از این به‌بعد سرمایه‌گذاری‌های کلانی برای توسعه سیستم‌های پایش محتوای انسانی و ماشینی انجام دهند و حتی ممکن است ناگزیر شوند برای اجتناب از جریمه، پیشاپیش محتواها را حذف کنند. گرچه این حکم پاسخی به بحرانی درون‌کشوری خوانده شده، پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل‌تأملی دارد. تصمیم برزیل احتمالاً الگویی برای کشورهای ناقض اصول حقوق بشر و گردش آزادانه اطلاعات و درگیر چالش اطلاعات نادرست و خشونت آنلاین باشد.

در این تفسیر گفته می‌شود، رأی دیوان عالی برزیل رویه‌ای را باب می‌کند که دولت‌ها و حکومت‌های گریزان از آزادی اطلاعات، از آن برای محدود کردن و بستن پلتفرهای آنلاین به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند یا اینکه پشت مفاهیمی مانند امنیت ملی، نظارت، کنترل و ساماندهی پنهان می‌شوند و از وظایف و مسئولیت‌های اصلی‌شان طفره بروند.

تیغ دولبه احکام حقوقی کشورها

معادله پلتفرم‌ها و حکم‌هایی که دادگاه‌ها در کشورهای مختلف می‌دهند، مجهول‌ها و پیچیدگی‌های بیشتری هم دارد. مثلاً عده‌ای از کارشناسان و فعالان اینترنت و آزادی اطلاعات، از نبود نهادهای مستقل نظارتی یا اجرای ناقص این سازوکارها نگرانی دارند و می‌گویند، با افزایش فشارها بر پلتفرم‌ها، فقط کشورهای ناقض آزادی‌بیان از آن بهره‌برداری می‌کنند و در عمل نیز، محدودکردن پلتفرم‌ها منجر به کاهش اعتماد عمومی به شرکت‌های فناوری، خدمات و سرویس‌هایشان و تشدید فضای ناامنی میان کاربران می‌شود.

چنین احکامی را می‌توان به تیغی دولبه تشبیه کرد که یک‌طرف آن نظم، امنیت و حریم خصوصی است و آن لبه‌اش، محدودشدن نقد و آزادی‌بیان. روشن است که اینترنت در سومین دهه قرن فعلی، دیگر آرمان‌شهر دهه ۹۰ نیست و قواعد آن را نه شرکت‌های فناوری، بلکه دولت‌ها و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بازنویسی می‌کنند. این جدال تازه، شاید مهم‌ترین نبرد قرن دیجیتال باشد؛ نبردی میان قدرت بدون مرز پلتفرم‌ها و مرزهای لرزان حاکمیت‌ها.

رسانه‌های برون‌مرزی

اعتبار از دست رفته

اینترنشنال زیر ضربه همزمان افکار عمومی و هکرها قرار گرفته است

نیلوفر نادری
روزنامه‌نگار

گروه هکری حنظله اعلام کرده که شبکه اینترنشنال به‌طور کامل هک شده و تمام سامانه‌ها، سرورها و زیرساخت‌های فنی آن از کار افتاده‌اند. براساس این ادعا، اطلاعات داخلی این شبکه، شامل مکاتبات محرمانه، اطلاعات شخصی کارکنان، سوابق مالی و ارتباطات با نهادهای خارجی به‌طور کامل استخراج شده است. همچنین تأکید شده که روند انتشار این داده‌ها به‌زودی آغاز خواهد شد. کانال تلگرام این شبکه نیز به‌طور کامل هک شده است؛ کانالی که بنا بر ادعای این گروه هکری، مدت‌هاست به‌عنوان یک خط ارتباطی امن برای تماس با خبرچین‌ها، جاسوس‌ها، خائن‌ها و عوامل بیگانه معرفی شده و این افراد و گروه‌ها از آن استفاده کرده‌اند. پلتفرم تلگرام نیز در واکنش به این حمله سایبری، کانال رسمی این گروه هکری در تلگرام را مسدود کرده تا از افشای اطلاعات به دست آمده توسط آنها جلوگیری کند؛ اقدامی که هم‌دستی قدرت‌های بزرگ با یکدیگر را علیه گردش اخبار واقعی نشان می‌دهد. حنظله تصریح کرده که در جریان این عملیات، تمام پیام‌ها، فایل‌ها، گزارش‌ها، تصاویر و ویدئوهایی که از طریق این کانال ارسال شده‌اند، به‌طور کامل استخراج و پردازش طبقه شده‌اند و به‌زودی افشا می‌شوند. به گفته این گروه، در حال حاضر پرونده هویتی کامل بیش از ۷۱ هزار نفر که با این شبکه تماس داشته‌اند در اختیار آنهاست.

این گروه هکری ادعا می‌کند که این شبکه تحت حمایت موساد است و پروپاگاندای موردنظر آن را به جامعه القا می‌کند. آنها این حمله سایبری را اعلام مستقیم حضور مقاومت در قلب سامانه‌های دشمن خوانده‌اند و گفته‌اند که باید منتظر سورپرایزهایی باشند.

پیش از این نیز، گروهی با عنوان گمنامان، ایمیل‌های اینترنشنال را هک کرده بود. این گروه هکری نیز با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرده بود که این شبکه تحت کنترل رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کند و هیچ حمایت واقعی در میان مردم ایران ندارد.

اینترنشنال نیز اعلام کرده که مطالب منتشرشده، از حساب‌های تلگرام هک‌شده نیروهای شبکه تلویزیونی در حملات قبلی است و هکرها ممکن است از طریق نصب بدافزار از راه حساب‌های تلگرام به تلگرام سایر نیروها دسترسی پیدا کرده باشند.

این شبکه با این ادعا روی هک‌شدن چندباره‌اش صحه گذاشته است؛ هک‌هایی که توسط گروه‌هایی غیر از حنظله به‌نام «بنیشد کیتن» یا «بچه گربه تبعیدی» انجام شده‌اند که با نام‌های دیگر «استورم ۰۸۴۲» و «دون» نیز شناخته می‌شود.

گروه هکری حنظله در حالی موفق به هک این شبکه شده که بسیاری از مردم و فعالان داخل ایران در روزهای گذشته به نحوه پوشش‌دهی اخبار ایران و رژیم صهیونیستی توسط اینترنشنال واکنش نشان داده‌اند. هشتگ‌هایی مانند #ایران_اینترنشنال_دروغ_می‌گوید و #رسانه_انگلیسی در این مدت در شبکه‌های اجتماعی ترند شده‌اند و افراد این اینترنشنال را با رادیو بغداد و عملکردش در زمان جنگ ایران و عراق مقایسه می‌کنند که به زبان فارسی محتوا تولید می‌کرد؛ آن هم محتوای جعلی و اغراق‌شده درباره پیشروی ارتش عراق یا شکست ایران با لحنی تهدیدآمیز و تحقیرکننده.

علاوه بر واکنش‌های مشاهده‌شده در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، ایکس و توئیتر، بیش از ۴۵۰ نفر از فعالان رسانه‌ای، اجتماعی و سیاسی داخل و خارج کشور نیز به‌منظور تحریم این شبکه، بیانیه‌ای را امضاء و منتشر کرده‌اند. امضاءکنندگان این بیانیه معتقدند که رسانه‌هایی مانند اینترنشنال در راستای ایران‌ویرانگری، به ابزاری در دست پروژه‌های جنگ روانی دشمنان ایران تبدیل شده‌اند و تبلیغات جنگی اسرائیل را می‌کنند. پوشش یک‌جانبه و ایران‌ستیزانه از حملات اسرائیل-آمریکا از سوی این شبکه با زبان خبری تحریک‌آمیز و آمیخته به دروغ، کژاطلاعات، خبرسازی و بزرگ‌نمایی به سود دشمن، نشان داد که هدف این شبکه نه اطلاع‌رسانی بی‌طرفانه و حرفه‌ای که تشدید فضای روانی و تضعیف روحیه‌ی ملی در ایران است.

کنار هم گذاشتن همه این اتفاقات نشان می‌دهد که اینترنشنال، چه به‌لحاظ بحث‌های مربوط به امنیت سایبری و زیرساخت فناوری، چه به‌لحاظ اعتباری که میان برخی از مردم داشته، لطمه بزرگی خورده و حساسیت‌های داخلی و خارجی نسبت به آن بیشتر شده است؛ حساسیت‌هایی که نقطه درستی را نشانه گرفته‌اند؛ اینترنشنال یک نارسانه است و تمام خط قرمزهایی را که نباید یک رسانه رد کند، رد کرده است.